دوماهنامه طبّ جنوب
پژوهشکده زیست-پزشکی خلیج فارس
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر
سال هجدهم، شماره ۱، صفحه ۱۶۸ - ۱۵۸ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۴)

ISMJ 2015; 18(1): 158-168

بندر سیراف، پیوند دهنده گفتمان مکتب پزشکی جندی شاپور با سرزمین‌های اقیانوس هند– آرام

ایرج نبی‌پور [1*]

[1] مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج‌فارس، پژوهشکده‌ی علوم زیست پزشکی خلیج‌فارس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

(دریافت مقاله: ۹۳/۷/۱۸- پذیرش مقاله: ۹۳/۸/۲۰)

چکیده

مهم‌ترین بندر ساسانی- اسلامی در خلیج‌فارس، بندر سیصد هزار نفری سیراف بود. ویرانه‌های بندر سیراف در ساحل خلیج‌فارس در ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر واقع است. به سال ۸۵۰ میلادی، وقتی نام سیراف بر سر زبان‌ها بود، سیراف بندری مشهور بود که تجار زیادی در آن معاملات مهمی با جزایر و بنادر زنگبار، لامو، پومبا، کیلوا و سفاله در شرق آفریقا، هندوستان، مالزی، سوماترا و چین انجام می‌دادند. از عملکرد تاریخی بندر سیراف در گسترش دانش پزشکی در پهنه ایران زمین، نقش آن در انتقال دانش پزشکی هند به دانشکده پزشکی ساسانی جندی شاپور است. افزون بر انتقال طب آیورودایی و اندیشه‌های پزشکی هندوستان، بندر سیراف چه پیش از اسلام و چه در تمدن اسلامی، مسیر مهمی برای گذر طب مصری و حوزه اسکندرانی به سوی دانشکده جندی شاپور بوده است. ارتباطات علمی و فرهنگی ایران و هند از سوی سیراف، تنها مسیر یک طرفه نبود؛ بلکه از طریق بازرگانان ایرانی و کشتی‌های اقیانوسی هندیان و چینی‌ها که در سیراف پهلو می‌گرفتند، کتب طبی، داروهای گیاهی و اندیشه‌های مکتب پزشکی جندی شاپور به خاور زمین انتقال می‌یافت. واردات و صادرات گیاهان دارویی و انبار این گیاهان در لنگرگاه بین‌المللی بندر سیراف، بارها توسط جغرافی‌دانان تاریخی سده‌های میانی گزارش شده است. در یک فراگرد جامع، بندر ساسانی- اسلامی سیراف در انتقال پایه‌های طب آیورودایی (هندی) و معرفی گیاهان دارویی هند و چین، مصر و شرق آفریقا به مکتب پزشکی رو به رشد جندی شاپور در دوران ساسانیان تلاش نموده و تا چند سده پس از افول ستاره‌ی درخشان شهر دانشگاهی جندی شاپور، با معرفی دست‌آوردهای آن در زمینه داروهای گیاهی و روش‌های درمانی در سرزمین‌های اقیانوس هند تا خاور دور نقش بی‌همتایی را از خود نشان داد.

واژگان کلیدی: جندی شاپور، خلیج‌فارس، گیاهان دارویی، تمدن اسلامی، هندوستان

* بوشهر، مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، پژوهشکده‌ی علوم زیست پزشکی خلیج‌فارس، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر
E-mail:inabipour@gmail.com

مقدمه

جاده ابریشم در سده‌های سوم و چهارم میلادی، با آغاز حکمرانی ساسانیان و امپراطوری روم شرقی، امن و پررفت وآمد بود. اما با جنگ‌های ایران و روم و کاهش حجم تبادلات بازرگانی در بین‌النهرین و جنگ‌های ارمنستان، ترافیک جاده ابریشم که از زمان پارتیان پر رفت و آمد بود، دچار افت شد و از این رو بنادر خلیج‌فارس، به ویژه در سواحل شمالی آن، جایگاه درخشانی را در مسیر جاده دریایی ابریشم به‌دست آوردند و با افزایش ترافیک دریایی در مسیر اقیانوس هند به شرق دور، تجارت ابریشم به‌طور کامل به‌دست ایرانیان افتاد و تجار رومی و عرب در اقیانوس هند، در یک نبرد بازرگانی، از صحنه اقتصاد دریایی کنار گذاشته شدند (۱).

بنابراین در اواخر قرن ششم میلادی، خلیج‌فارس و دریای عرب کاملاً تحت تسلط ایرانیان بود و دریانوردی ساسانیان به فراسوی سیلان، حدود قلمرو حمیر تا سوماترا و بنادر چین نیز گسترش یافته بود. دریانوردی ایرانیان در اوائل دوره اسلامی، صرفاً ادامه دریانوردی ساسانیان بود (۲).

مهم‌ترین بندر ساسانیان در خلیج‌فارس، بندر سیراف بود. ویرانه‌های بندر سیراف «بندر طاهری کنونی» در ساحل خلیج‌فارس در ۲۳۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر واقع است. به‌دلیل گسترش تجارت دریایی ساسانیان، سیراف نه تنها نقش یک بندر بازرگانی را داشت بلکه به عنوان ژاندارم مسیر تجاری دریایی خلیج‌فارس در صحنهٔ ژئوپلیتیک منطقه حضور داشت.

کشف جاده‌ی سنگ فرش سیراف – فیروز آباد «گور» توسط واندنبرگ، شرق شناس بلژیکی، نقش بی‌نظیر سیراف در مسیر جاده ابریشم را نشان می‌دهد (۳). این بندر در خط سیر جاده دریایی و مسیر ادویه، به چنان رشدی دست یافت که با جمعیت سی هزار نفری، گوی زرین تجارت دریایی را از بصره ربود. مجموعه ساختمان‌هایی از سنگ ساروج که گاه به شش یا هفت طبقه می‌رسیده است با طبقات بالایی ساخته شده آن با چوب‌هایی که از آفریقا و هند آورده بودند و ساج می‌نامیدند، بافت معماری این بندر باشکوه را تشکیل می‌داد.

به سال ۸۵۰ میلادی، وقتی نام سیراف بر سر زبان‌ها بود، سیراف بندری مشهور بود که تجار زیادی در آن معاملات مهمی با هند و آسیای جنوب شرقی انجام می‌دادند و در طی صد سال بعد، به‌علت موقعیت ممتاز بندری آن شهر، بازرگانان ثروتمندی در سیراف به‌وجود آمدند که معاملات مهمی با دریای احمر، آفریقای شمالی، ماداگا سکار در غرب هندوستان و با چین در شرق آن انجام می‌دادند.

در اوایل قرن دهم میلادی در حدود سالیانه ۲/۵ میلیون دینار، معاملات از بندر سیراف انجام می‌گرفت. این بندر در نتیجه زلزله سال ۹۷۶ میلادی ویران می‌شود و با ویرانی آن مرکز تجارتی خاور دور و خلیج‌فارس در مسیر جاده دریای ابریشم، به جزیره کیش و سپس به جزیره هرمز انتقال می‌یابد ولی هیچکدام از این لنگرگاه‌ها نتوانستند شکوه بی‌همتای سیراف را پاس بدارند (۴).

اکنون ویرانه‌های آن در جلگه‌ای به طول ۴/۵ کیلومتر و عرض ۷۰۰ متر در ۳۶ کیلومتری شرق بندر کنگان پابرجاست؛ این مکان توسط دکتر وایت هوس از سوی انستیتو مطالعات ایران‌شناسی انگلستان در سال ۱۹۶۶ کاویده شد. در سال ۱۹۷۴ هیئت مشترک ایران و انگلستان نیز نه محوطه باستانی این بندر را حفاری کردند.

هدف این نوشتار، جستجو یافت مکانیسم انتقال دانش پزشکی خاور زمین به حوزه طب جندی شاپور و چگونگی اثر مکتب پزشکی جندی شاپور بر فرهنگ و علم پزشکی حوزه اقیانوسن هند- آرام، از طریق بندر ساسانی- اسلامی سیراف در خلیج فارس است.

مکتب پزشکی جندی شاپوردر گفتمان با خاور زمین در دوران ساسانیان

از عملکرد تاریخی بندر سیراف در گسترش دانش پزشکی در پهنه ایران زمین، نقش آن در انتقال دانش پزشکی هند به دانشکده پزشکی ساسانی جندی شاپور است. دانشکده جندی شاپور بین سال‌های ۳۷۹-۳۱۰ میلادی، یعنی ۱۷۰۰ سال قبل، در زمان شاهپور دوم ساسانی با نمای هشت در هشت مانند خانه‌های شطرنج ساخته‌اند و تا سده سوم هجری که دانشکده پزشکی بغداد پدید آمد، یعنی مدت ۶۰۰ سال، مهم‌ترین مکتب پزشکی خاورمیانه بود. به قول ادوارد براون (Brown E)، در دانشکده پزشکی گندی شاپور، طب پنج کشور نامور آن روز به هم آمیخته شده بود؛ یونانی، هندی، ایرانی، سریانی و اسکندرانی (مربوط به اسکندریه)(۵).

از این رو حضور پزشکان هندی و انتقال دانش طب آیورودایی هندوستان از طریق بندر سیراف، نه تنها در رونق طبی ساسانیان در جندی شاپور مهم بوده است، بلکه ترجمه آثار طب هندی در دوران اسلامی نیز موجب رشد نهال نو پای طب در تمدن اسلامی شد. از میان کتب طبی هندوان که پاره‌ای از آن‌ها در دوره تمدن اسلامی به عربی درآمد مهم‌تر از همه آثار کاراکا، سسرد و واگبهاتا هستند که سه رکن اصلی طب هندی به شمار می‌روند (۶).

افزون‌بر انتقال طب آیورودایی و اندیشه‌های پزشکی هندوستان، بندر سیراف چه پیش از اسلام و چه در تمدن اسلامی، مسیر مهمی برای گذر طب مصری و حوزه اسکندرانی به سوی دانشکده جندی شاپور بوده است. طب یونانی و اسکندرانی از سرزمین‌های یونان، آسیای صغیر، سوریه، مصر و انطاکیه از راه دریای سرخ و یا از راه خشکی از طریق باکتریا «بلخ»، فرغانه و سغد، مرو و از مسیر کوه‌های هندوکش به هندوستان وارد شده و سپس از هندوستان از راه دریایی به بندر سیراف آمده و از طریق دریا و یا مسیرهای کاروان رو سیراف– بین‌النهرین، به حوزه علمی – فرهنگی جندی شاپور نفوذ کرده است (۷). بنابراین، مسیر دریایی ادویه با گذر از بندر سیراف، نقش بسیار مهمی در ترقی و تغذیه علمی و آکادمیک جندی شاپور در پیش از اسلام و سده‌های اولیه تمدن اسلامی داشته است. ارتباطات علمی و فرهنگی ایران و هند از سوی سیراف، تنها مسیر یک طرفه نبود؛ بلکه از طریق بازرگانان ایرانی و کشتی‌های اقیانوسی هندیان که در سیراف پهلو می‌گرفتند، کتب طبی، داروهای گیاهی و اندیشه‌های پزشکی ایران، یونان و اسکندرانی نیز که از طریق انطاکیه با گذر از رودخانه فرات به خلیج‌فارس رسیده بودند به هندوستان انتقال می‌یافت.

با بررسی تاریخ ارتباطات تجاری ایران زمین از سوی اقیانوس هند با هندوستان، می‌توان چنین استنباط کرد که در آمیزش فرهنگ پزشکی ایران و هند، بندر سیراف دروازه رویارویی علمی و فرهنگی این دو تمدن بوده است. در هر صورت، نقش بندر سیراف در تغذیه علمی حوزه جندی شاپور از طریق ارسال کتب طبی ایورودایی و پزشکان هندی، بسیار بی‌همتا است.

مجموعه این تلاش‌ها موجب شد که گنجینه طب هندی که از زمان ساسانیان در جندی شاپور گرد آمده بود همراه با ترجمان نوشتارهای پزشکی از هندی به عربی، طب اسلامی نیز غنا یابد.

کشتی‌های بازرگانی با گذار از سیراف، پیش از رسیدن به انتهای خلیج‌فارس از بنادر نجیرم، سینیز و مهرویان نیز گذر

می‌کردند. دو بندر ساسانی مهرویان و سینیز که ویرانه‌های آن‌ها هم اکنون در نزدیکی بندر دیلم جای دارند، همراه با ریشهر، تشکیل مثلثی را می‌دادند که به نامه «رستاق ریشهر» نامیده می‌شد. این ناحیه از لحاظ تاریخ علم پزشکی به این علت مهم بوده است که مترجمین و علمای نسطوری آنجا، علوم غیردینی (فلسفه، نجوم و پزشکی) و آثار اوستایی که به هندوستان، یونان و کشورهای دیگر پراکنده شده بود را از زبان‌های سریانی و یونانی به فرمان شاپور، با خط «گشتک» نگارش نمودند (۸).

همچنین دریانوردان سینیزی، همچون بازرگانان سیرافی، در تبادل گیاهان دارویی میان فلات ایران زمین و سرزمین‌های دور تلاش نمودند. پژوهش‌های اتنوفارماکولوژیک نگارنده پیرامون گیاهان دارویی این منطقه نشان دهنده پیوستگی فرهنگ دارویی این منطقه با هندوستان و شرق آفریقا است (۹).

هر چند در دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور، تدریس پزشکی به زبان یونانی بوده است ولی رشد و شکوفایی دانش فارماکولوژی و گیاهان دارویی که بخشی از آن‌ها توسط بازرگان سیرافی عرضه می‌گردید، موجب شد که واژگان داروسازی در این دانشکده به زبان فارسی رواج یابد و سپس در دوران تمدن اسلامی این سیستم واژگان با ریشه‌ی فارسی نیز به دانش داروشناسی عربی، وارد گردد (۱۰).

در هر صورت، همانگونه که اسکندریه به عنوان مرکز فرهنگ و علم در دوران هلنیسم در پرتوافکنی دانش به چهار سوی گیتی نقش ایفا می‌کرد، شهر دانشگاهی جندی شاپور توانست، چون فانوس درخشانی همچون یک گنجینه‌ی دانش، بدرخشد و این همه برخاسته از ترکیب و امتزاج و گفتمان دانش‌های گرد آمده از یونان، مصر، ایران، حوزه‌ی مدیترانه و هند می‌بود. از این دیدگاه، نقش دریانوردان و بازرگانان سیرافی در نواختن ضرب آهنگ شریان‌های تغذیه‌ای این شهر دانشگاهی غیر قابل اغماض است. در سایه‌ی گفتمان دانش‌های پزشکی در این شهر بود که می‌بینیم روش‌های درمانی‌ای در مکتب پزشکی جندی شاپور شکل می‌گیرند که کاملاً نوآورانه و بدیع بوده و از روش‌های درمانی یونانیان و هندی‌ها برتر و عالی‌تر جلوه می‌کرده‌اند (۱۱).

در یک فراگرد کلی، بندر سیراف و دیگر بنادر شمالی خلیج‌فارس، در انتقال علوم و نهضت ترجمه در رنسانس ایرانی ساسانیان و درخشش شهر دانشگاهی جندی شاپور، نقش مهمی را جلوه نمودند. نقش بی‌همتای بندر سیراف در انتقال دانش پزشکی و معرفی دو طرفه دانش پزشکی ایران، یونان، مصر، هندوستان و شرق دور، در دوران تمدن اسلامی که با افول ستاره‌ی شهر دانشگاهی جندی شاپور توأم بود، همچنان ادامه یافت.

مکتب پزشکی جندی شاپوردر گفتمان با سرزمین‌های اقیانوس هند–آرام در تمدن اسلامی

دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور در هنگام حمله‌ی اعراب در اوج شکوفایی و افتخار بود و در زمان تسلیم شهر در سال ۶۲۳ به سپاهیان اسلام، این شهر از گزند و آسیب در امان ماند و حتی پس از مهاجرت استادان برجسته آن به مرکز خلافت بغداد و بازتاب پویای دانشگاه و بیمارستان این شهر دانشگاهی همچنان تا یک سده دیگر در سراسر دنیای اسلام می‌درخشید (۱۱).

در همین راستا، تبادلات فرهنگی و علمی ایران با خاورزمین و شرق آفریقا نیز از طریق تجارت دریایی سیراف در دوران تمدن اسلامی همچنان ادامه یافت.

شاید مهم‌ترین نقش بندر سیراف در توسعه طب اسلامی، معرفی و ارائه داروهای گیاهی و گیاهان دارویی خاور دور، شرق آفریقا، مصر و هندوستان باشد. طب هندی به جهان وسیعی از مواد گیاهی و کانی دسترسی داشت که با

داروهای یونانی بسیار متفاوت بود و از آن‌ها در درمان بیماری‌ها استفاده می‌شد.

در طب هندی سموم و عطریات نیز علاوه‌بر مواد گیاهی و کانی به عنوان دارو به کار می‌رفت. بی‌شک یکی از راه‌های نفوذ طب گیاهی هند به ایران و سرزمین‌های اسلامی، ماحصل واردات گیاهان دارویی به سیراف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای تجاری، و بارگیری آن به شهرهای اسلامی بوده است. واردات و صادرات گیاهان دارویی و انبار این گیاهان در لنگرگاه بین‌المللی بندر سیراف، بارها توسط جغرافی‌دانان تاریخی سده‌های میانی گزارش شده است. ابن خرداذبه (۳۵۰ هـ) در مورد محصولات هند چنین صورت داده است: «چوب‌های معطر، صندل و کافور، قرنفل، جوزبوا، کبابه چینی، نارگیل، پارچه‌های کتانی و پنبه‌ای و حریر و عاج، و از سراندیب انواع یاقوت و در و بلور و سنباده‌ای که برای تراش جواهرات به کار می‌رود، و از ملیبار فلفل سیاه و از گجرات قلعی و از دکان «دکن» بقم و داذی و از سندکت «دارو» و قصب و خیزران».

در سال ۳۳۱ هـ- ق مسعر بن مهلهل به هند آمده، در نواحی جنوبی شبه جزیره گردش کرده است درباره «کولم» نوشته است: «راوند چینی و ساذج هندی که بسیار کمیابست دارویی است که برای علاج امراض چشم به کار می‌رود، از اینجا صادر می‌شود و عود و کافور و کندر نیز محصول کولم است، که به کشورهای دیگر حمل می‌شود، عرب‌ها نوعی سم از هند می‌برند که قزوینی آن را «بیش» نامیده است، این واژه در هندی «بس»به معنی سم است.» مسعودی که در اواخر قرن دهم می‌زیسته است درباره ثروت جزایر «مهراج» گوید: «انواع عطر در آنجا زیاد است وکافور و عود و قرنفل و کبابه چینی و بسباسه و «هیل اکبر» و غیره را از این جزایر حمل می‌کنند» (۱۲).

نفوذ محصولات گیاهی و داروهای گیاهی هند چنان در خلیج‌فارس گسترده می‌شود که اکنون نیز بسیاری از واژگان عطرها و ادویه در زبان عربی، ریشه هندی دارند که می‌توان به‌عنوان مثال به موارد ذیل اشاره کرد:

ردیف	نام عربی	نام هندی
۱	الصندل	چندن Chandan
۲	المسک	موشکا Mushka
۳	الکافور	کپور Kapur
۴	النبول	تامبول Tambol
۵	القرنفل	کنک هل Kanak Pahl
۶	الفلفل	پیلی پیلا Pippali-pili-pila
۷	الفوفل	کوبل kobal
۸	الزنجبیل	زونجابیرا Zunjabera
۹	نیلوفر	نیلو پهل nilophal
۱۰	الهیل	ایل ael
۱۱	جائفل	جائی پهل Jaiphal نام دارو
۱۲	الاطریفل	تری پهل Triphal نام دارو
۱۳	الشخیره	شکهر Shakhar نام دارو
۱۴	الهلیج	هره Harah نام دارو
۱۵	البلیج	بهیرا Bahera نام دارو
۱۶	البلاذر	بهلاتکه Bahlataka نام دارو

بحث

بر اساس این گزارش‌ها، کالاهای متنوع خارجی، عطرها، ادویه، گیاهان دارویی، از نقاط گوناگون هند و شرق دور، نخست در سیراف انبار می‌شده‌اند و سپس از آنجا یا از طریق مسیرهای کاروان رو و یا کشتی‌های خردتر، در بغداد یا دیگر سرزمین‌های اسلامی پخش می‌گردیدند (۱۳).

همچنین بسیاری از داروها، فراورده‌های گیاهی و گیاهان دارویی نیز بالعکس از شهرهای پر رونق تجاری ایران، از مسیر کاروان رو به سیراف منتقل تا راهی هندوستان و شرق دور شوند؛ عطر گل سرخ که از ولایت گور یعنی فیروزآباد کنونی به‌دست می‌آمده و نیز گلاب را به سیراف می‌آورده‌اند و از سیراف به هندوستان، چین، مصر و آفریقا می‌بردند. عرق طلعانه که ماده عطری درخت خرماست و از گل ناشکفته درخت خرما گیرند و امروز هم در فارس آن را عرق تارونه گویند، عرق زعفران و عرق سوسن و عرق بیدمشک و عطرهای روغنی مانند عطر بنفشه، عطر نیلوفر، عطر نرگس، عطری که از گیاه کارده می‌گرفتند، عطر زنبق، عطر مورد، عطر مرز نجوش، عطر بادرنگ و عطر بهار نارنج از راه سیراف به کشورهای مشرق زمین صادر می‌شده است (۱۴). این فرآورده‌ها نه تنها در مکتب پزشکی جندی شاپور به‌کار میرفته‌اند، بلکه بر طب شرق و حوزه هندوستان نیز تأثیری پا برجا گذاشته‌اند.

ترافیک حمل و نقل گیاهان دارویی و فراورده‌های گیاهی در مسیر خلیج‌فارس و دریای عمان چنان چشمگیر بوده است که سه سالانه هزار تن مر (myrrh) و کندر (frankincense) حمل و نقل می‌شده است (۱۴). در اروپای قرون وسطی، روغن کندر به‌عنوان یک دارو استفاده می‌شد و برای مصارف ضدعفونی زخم‌ها کاربرد داشته است و یک فراورده تصفیه کندر نیز به‌صورت یک ماده چسبناک جهت پوشش زخم‌ها استفاده می‌گردید. اثرات ضد میکروبی و ضد عفونی کنندگی مر شناخته شده است و در طب ایورودایی، به‌عنوان یک ماده‌ی تونیک و محرک قوای جنسی و پاک کننده‌ی خون مصرف می‌شده است. اکنون در سراسر هندوستان و خاورمیانه، مر برای مشکلات گوارشی، گلو، لثه و دهان و برای دردها و اختلالات قاعدگی استفاده می‌شود (۱۵).

در هر صورت به‌دلیل ترافیک فرآورده‌های دارویی گیاهی مشرق زمین در خلیج‌فارس، تأثیر طب هند بر طب اسلامی چنان پر نفوذ شد که محمد بن زکریای رازی، از داروها و دستاوردهای طب اورودایی که از سوی خلیج‌فارس و سیراف به ایران زمین رخنه کرده بود در نوشتارهای پزشکی خود، به‌ویژه الحاوی، استفاده می‌برد (۱۶).

ابو منصور، استاد طب ابن‌سینا، در جلسات درس برای او و دیگر شاگردانش از روش‌های جراحی و پزشکی سخن می‌گوید که از مکتب پزشکی سیراف آموخته است و این مکتب ماحصل برخورد تمدن‌های مصر، یونان و هند در این بندر بین‌المللی بوده است. در سیراف بیش از اعمال جراحی، با ماده‌ای که از تقطیر خرما به‌دست می‌آوردند بر زخم‌ها می‌مالیدند تا از عفونت‌های پس از جراحی که اکنون نیز از اساسی‌ترین مسائل جراحی است جلوگیری کنند.

یکی از داروهای بی‌نظیر که در سیراف روایی یافت کینین است که تب مالاریا و تب‌های نوبه‌ای بومی را با آن درمان می‌کردند و ابومنصور در سیراف از این دارو آگاه شد و تجویز آن را به دانشجویان خود مانند ابن‌سینا آموزش می‌داد. این همان دارویی است که

اروپاییان تا سده‌های بعد و کشف آمریکای لاتین از آن آگاهی نیافتند (۱۷).

دکتر محمود نجم‌آبادی پژوهشگر بزرگ تاریخ طب ایران، در مورد ارتباطات علمی و پزشکی ایران، چین و خاور دور چنین می‌نویسد: «نکته قابل تذکر آنکه چون چین و ژاپن (خاور دور) از ایران خیلی دور بوده و دسترسی و آمد و رفت با ملل و اقوام این سرزمین مشکل و دشوار و به‌علاوه راه بین کشور ما و آن سرزمین خیلی طولانی و جاده‌ها غیرقابل عبور و از راه دریا هم چندان آسان نبوده است، لذا اثر فوق العاده‌ای طب خاور دور بر روی طب ایران نداشته است» (۱۸).

اما به نظر نمی‌رسد که این دیدگاه چندان نافذ باشد، زیرا بازرگانان سیرافی با کشتی‌های بزرگ دو طبقه و چند صد نفری اقیانوس پیمای خود، با گذشت از اقیانوس هند، و گذر از تنگه مالاکا بسوی چین بادبان گشوده و با رونق دادن به گستره تجارت خلیج‌فارس با خاور دور به تبادلات علمی و پزشکی مبادرت نموده‌اند.

دو سند فوق‌العاده با ارزش که از نویسندگان چینی برجای مانده است نشانگر حضور فعال و بی‌چون و چرای برتر بازرگانان و دریانوردان مسلمان ایرانی در قرن اول هجری در جنوب خاور دور تا بندر کانتون چین می‌باشد (۱۹). در دوران خلفای بنی‌عباس، به‌ویژه پس از انتقال مرکز حکومت از دمشق به بغداد، از اواسط قرن هشتم میلادی مبادلات از راه دریایی از خلیج‌فارس، عربستان، شرق آفریقا، هند و جنوب شرقی آسیا تا چین نسبت به راه زمینی اهمیت بیشتری می‌یابد.

سلیمان سیرافی در سفرنامه گرانبهای خود می‌نویسد: «کالاها از بصره و عمان به سیراف منتقل و از آنجا به کشتی‌ها بار می‌شود. از سیراف آب شیرین برای آشامیدن برمی‌دارند و بادبان کشیده به مسقط می‌روند. در آن بندر لنگر می‌اندازند و آب می‌گیرند و رهسپار هند می‌شوند. بعد از یک ماه به (کولم ملی) می‌رسند و از آنجا به چین عزیمت می‌کنند» (۱۲). بندر کاله در شبه جزیره مالایا، در مسیر آبی تنگه مالاکا قرار داشته، یکی از مهم‌ترین بنادر ترانزیتی بوده است.

کشتی‌های اقیانوس پیمای هند در زمان رفتن به چین در این بندر پهلو می‌گرفته‌اند و یا از همین بندر پس از تخلیه بار خود و بارکردن کالاهای جدید، به سوی هند و کشورهای اسلامی برمی‌گشته‌اند. شهر کالا، بندر کالای تجارتی شرق و غرب بوده است. بازار و تجارت، عود، کافور، صندل، عاج، قلع ، آبنوس، بقم، و همه نوع ادویه و نباتات معطر و محصولات دیگر در آنجا برقرار بوده است (۲۰). بندر مهم پالم بانگ در جنوب شرقی سوماترا، جزایر سوماترا و جاوه و دیگر جزایر کوچک و بزرگ شرق و غرب اندونزی دارای صادرات منظم فوفل، قرنفل، عود، کافور، داروهای گیاهی و فرآورده‌های دارویی بوده‌اند.

این مبادلات تجاری به حدی وسیع و فشرده بود که در قرن دوم هجری/ هشتم میلادی، یک کلنی از بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان در خانفوا نیز به‌وجود آمده و به سبب همین ارتباطات تجاری گسترده و دائمی خارجیان و خصوصاً ایرانیان در بنادر چین بود که در قرن دوم و سوم هجری در حدود یکصد و بیست هزار نفر خارجی، که اکثر آن‌ها ایرانی بودند، در شهر خانفوا سکونت داشتند و تأثیرات طبیعی فرهنگ و آداب آن‌ها در سرزمین چین به حدی بوده که حتی به این وسیله اسامی بسیاری از گیاهان، میوه‌ها و غذاها نیز از ایران به چین منتقل شده است (۲۰).

در سده سوم و چهارم هجری، تجارت خلیج‌فارس با چین به بالاترین حد رسید و دریانوردان و تجار،

پیوسته با کشتی‌های بزرگ، این مسافت طولانی را برای حمل هر چه بیشتر کالاهای خود به چین می‌پیمودند. گلاب و عرق شکوفه خرما (تارونه)، بومادران، عرق زعفران، عرق بیدمشک، عرق سوسن، عطر بنفشه، نیلوفر، نرگس، زنبق، بادرنگ، بهار نارنج، مرزنجوش، پنبه، زردچوبه و داروهای مختلف از طریق بندر سیراف به چین می‌رفت (۲۰).

در نتیجه، بررسی کالاهای مسیر بازرگانی بندر سیراف به خاور دور، مالزی، سوماترا و چین نشانگر معرفی داروها، ادویه و گیاهان دارویی ایران زمین، سیلان و هند از سوی تجار سیرافی به خاور دور و چین است (۲۱).

هر چند دستاوردهای طب آیورودایی هند به زبان چینی در سده چهارم میلادی ترجمه شد و در سده هفتم میلادی نیز دانشجویان چینی در هند در دانشگاه نالاندا (Nalanda) به تحصیل طب آیورودایی پرداختند و طب چینی تأثیرات وسیعی از طب هندی یافت، اما بخشی از دست یافته‌های طب چین به گیاهان دارویی از طریق مکتب پزشکی جندی شاپور که توسط بازرگانان سیرافی ارائه می‌شد حاصل گردید. طب گیاهی چین بسیار کاربرد داشته است و از داروهای گیاهی که در فهرست دارویی چین قدیم به چشم می‌خورد، زقوم هندی، اقونیطون، بادرنجبوبه، شاه بلوط، صبر زرد، گلپر، افسنطین، کین سینگ (گیاه مخصوص چین)، ماش، خیزران، سنا، شبت، رازیانه و جونتیانا، ریوند، روغن کرچک، زنجبیل و غیره را می‌توان نام برد (۲۲). به‌طوری که مشاهده می‌شود، بسیاری از داروهای گیاهی ایران و هند در این فهرست وجود دارند که از طریق بازرگانان سیراف در خاور دور معرفی شده‌اند.

به‌طور مثال، بازرگانان سیرافی، انقوزه را که در سیستان و مکران ایران نیز فراوان بوده است، از پنجاب تهیه می‌کردند و به چین صادر می‌نمودند. انقوزه در آسیای میانه و هند در طب گیاهی، برای مشکلات گوارشی ساده مانند سوءهاضمه و یبوست استفاده می‌شود. روغن فرار آن دارای ترکیباتی است که هنگامی که از راه دستگاه تنفسی خارج می‌شوند، بر تخلیه موکوس احتقان یافته از طریق سرفه مؤثر است. معمولاً به‌صورت قرص برای برونشیت، آسم برونکیال، سیاه سرفه و مشکلات تنفسی دیگر کاربرد دارد، همچنین فشار خون را پایین آورده و خون را تصفیه می‌کند. کاربرد آن در شرایط نورتیک نیز مشهود است (۲۳).

به‌طور کلی، نفوذ طب اسلامی توسط این سفیران مکتب پزشکی جندی شاپور چنان می‌شود که پایه‌های فارماکولوژیک طب اسلامی در چین روایی چندانی می‌یابند تا بالاخره، به فرمان کوبلای خان در سال ۱۲۷۰ در پایتخت خاندان یوان، بیمارستانی به نام guang hui تأسیس می‌شود که در آن تمام پزشکان، مسلمان بوده و بسیاری را با داروها و طب اسلامی درمان می‌کردند (۲۴).

بی‌شک انتقال علوم پزشکی جندی شاپور از خلیج‌فارس به خاور دور یک سویه نبوده و تأثیراتی نیز بر این مکتب داشته است که می‌توان از آن به کاربرد داروهای گیاهی چینی، سوماترایی و جاوه‌ای در ایران اشاره کرد.

سواحل شرقی آفریقا از قرن ماقبل از اسلام نیز با بنادر خلیج‌فارس مبادلات تجاری داشته‌اند و بندر بین‌المللی سیراف نیز در قلب تپنده‌ی این زنجیره‌ی بازرگانی بوده است و تجارت دریایی با جزایر و بنادر زنگبار، لامو، پومبا، کیلوا و سفاله در شرق آفریقا از سده‌ی

هشتم تا دوازدهم میلادی در دوران تمدن اسلامی در اوج شکوفایی خود بوده است (۲۵ و ۲۶).

از این رو، هر چند یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی در زمینه‌ی تجارت دریایی ایران با شرق آفریقا رو به انباشت است ولی در زمینه‌ی انتقال دانش پزشکی میان ایران و آفریقا در منطقه اقیانوس هند، به پژوهش‌های فراگیر و گسترده‌تری نیاز می‌باشد.

همانگونه که بیمارستان بغداد و دیگر شهرهای اسلامی با الگوبرداری از بیمارستان دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور شکل گرفتند، چنین می‌نماید که بیمارستان سیصد هزار نفری بندر سیراف نیز به همین الگو بنیان یافت. شکل‌گیری این بیمارستان نشانگر قدرت نفوذ مکتب پزشکی جندی شاپور در مهم‌ترین بندر خلیج‌فارس که خود جولانگاه آمیزه‌ای از طب آیورودایی، چین، مصر، اسکندرانی و سریانی بوده است، می‌باشد. در ساخت این بیمارستان، همانند بیمارستان جندی شاپور، نگاه تخصصی وجود داشته و تالار بزرگ آن به بخش‌های مختلف ارتوپدی، داخلی و زنان و زایمان تقسیم می‌شده است (۲۷).

در همین بیمارستان پزشکانی چون ابن ماهان سیرافی طبابت می‌کرده‌اند. محمدبن اسحاق القدیم در کتاب الفهرست، از رساله السفر والحضر فی‌الطلب ابن ماهان سیرافی معروف به یعقوب سیرافی یاد می‌کند و در تاریخ الحکماء قفطی نیز از ابن ماهان به‌عنوان مشهورترین اطباء یاد شده است (۲۸).

در یک فراگرد جامع، بازرگان سیرافی در انتقال پایه‌های طب آیورودایی (هندی) و معرفی گیاهان دارویی هند و چین، مصر و شرق آفریقا به مکتب پزشکی رو به رشد جندی شاپور در دوران ساسانیان تلاش نمودند و تا چند سده پس از افول ستاره‌ی درخشان شهر دانشگاهی جندی شاپور، با معرفی دستاوردهای مکتب پزشکی جندی شاپور در زمینه داروهای گیاهی و روش‌های درمانی در سرزمین‌های اقیانوس هند تا خاوردور نقش بی‌همتایی را از خود نشان دادند (۲۹ و ۳۰). دستاوردهای این گفتمان پزشکی، هنوز با گذر قرن‌ها، همچنان در سرزمین‌های اقیانوس هند–آرام پابرجا است.

References:

1.Daryaee T. The Persian Gulf trade in late antiquity. Journal of World History 2003;14 (http://www.historycooperative.org/journals/jwh/14.1/daryaee.html).
2.Hassan H. The history of Iranian sailing. Translated by Eghtedari O. Tehran: Behnashr, 1994, 128-166.
3.Mostafavi, SMT. The land of Pars, ancient and historical monuments in Fars. 2th ed. Tehran: Nashreh Eshareh, 1997, 518.
4.Whitehouse D. Excavation at Siraf, First Interim Report. J Persian Stud 1968;6:1-29.
5.Brown E. The history of Islamic medicine. Rajabneia M. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. 1987, 55.
6.Safa Z. The history of intellectual sciences in the Islamic civilization till the middle of 5th century. Tehran University Publications. 1994, 27.
7.Najmabadi M. The history of medicine in islamic Iran. Tehran University Publications. 1986, 106-111.
8.Khalifeh A. Deylam port, the seven cities of Liravi. Bushehr: Shorouh Publications, 1998, 4.
9.Rastegar M, Tavana Z, Khademi R, Nabipour I. Ethnopharmacology of the native herbs of Helleh River (Bushehr Province/Iran). Iran South Med J 2012;15:303-16.
10.Brown E. The history of Islamic medicine. Rajabneia M. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. 1987.
11.Cyril E. The medical history of Persia. Translated by Forghani B. Tehran: Amirkabir, 1996, 68-69.
12.Nodovi SS. The trade relations between India and Arabs. Translated by Mashayekh-Feridoni MH. Islamic Research (Islamic Encyclopedia Foundation) 1988;2: 40-70.

13.Mahzaheri A. Moslems' life in the middle ages. Ravandi M. Tehran: The contemporary sound of science and art publications, 1999, 439-455.
14.Jones AHM. Asian trade in Islam and the trade of Asia, ed D.S. Richards (Philadephia:University of Pennsylvania Press,1970,9.
15.Chevallier A. Encyclopedia of medicinal plants. London; Dorling Kindersley Limited, 2001, 88.
16.Agrawal DP, Tiwari L. Ayurveda: the traditional Indian medicine system and its global dissemination. 2005 (http://www.infinityfoundation.com/mandalal t _es/t_es_agraw-ayurveda.htm).
17.Nabipour I. Siraf port. Port and Sea Journal 1989;17: 74-76.
18.Najmabadi M. The history of medicine in islamic Iran. Tehran University Publications. 1986,268-257.
19.Hassan H. The history of Iranian sailing. Translated by Eghtedari O. Tehran: Behnashr, 1994, 159.
20.Taheri M. The voyages of Moslem in Indian ocean. Astan Ghods Rezavi. 2002, 416-443, 467-488.
21.Wink A, Hind AL. The making of the Indo-Islamic world, Vol 1, Early medieval India and the expansion of islam 7-11th centuries, Leiden, 1990, p. 65.
22.Venzmer G. Five thousand years of medicine. Translated by Agah S. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company, 1998, 320.
23.Nabipour I. Ayetollah Balladi's thoughts in medicine. Bushehr University of Medical Sciences Publications, 2005, 78.
24.Aifang L. The exchange between Iran and China in medicine. Abstracts of the International Congress of The History of Medicine in Islam and Iran, 3-6 October 1992, Tehran, 26.
25.Horton, M, Middleton J. The Swahili. Blackwell, Oxford. 2000. 52-61.
26.Horton M. Shanga. The archaeology of a Muslim trading community on the coast of East Africa. The British Institute in Eastern Africa, London. 1996.
27.Nabipour I. Introduction to the Persian Gulf medical history. Bushehr University of Medical Sciences Publications, 2005, 66.
28.Nadim MBE. Alfehrest. Tajadod MR. Tehran: Amirkabir, 1998, 530.
29.Abdolvahid H. Sedighi H. Commonly used drugs in Iranian and Indian traditional medicine. Studies Foundation in Islamic and complementary medicine, Iran Medical University, 2003.
30.Vaseti HN. The history of medical relationship between Iran and Pakistan. Studies Foundation in Islamic and complementary medicine, Iran Medical University, 2003.

ISMJ 2015; 18(1): 158-168

Review Article

Siraf port, a linkage site for the intraction of Jundi Shahpur medical school with the lands of Indian-Pacific oceans

I.Nabipour [1*]

[1] *The Persian Gulf Marine Biotechnology Research Center, The Persian Gulf Biomedical Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran*

(Received 10 Oct, 2014 Accepted 11 Nov, 2014)

Abstract

The most important Sasanian-Islamic port of Iran in the Persian Gulf was Siraf, with a total population of 300,000. The ruined site of Siraf lies on the Persian Gulf, 230 Km. south-east of Bushehr. By the time Siraf was mentioned first (c. 850), it was already a flourishing port with merchants dealing with India, East Africa, Madagascar, Malay Peninsula and China. Siraf had a prominent role in the transfer of Indian medical knowledge to Jundi Shahpur medical school during Sasanian period. In addition to Indian medicine and Ayurvedaic medicine, Siraf was the gate of Jundi Shahpur for Egyptian and Hellenistic medicine in the pre-Islamic and Islamic periods. This relationship was bidirectional and the heritage of Jundi Shahpur medical school including its medical books, medicinal plants and medical knowledge were transferred to the East by Indian and Chinese sailors and merchants. The import and export of medicinal plants and the existence of the storages of medicinal plants in Siraf port was mentioned in many times by historical geographists of the middle ages. In conclusion, this Sasanian-Islamic port had a key role in the introduction of medicinal plants and the transmission of knowledge of medicine from India, East Africa, Egypt and China to the rising Jundi Shahpur medical school. The critical function of introduction of oriental medicine and medicinal plants to Iran through Siraf port was continued for several centuries, even after the down of Jundi Shahpur medical school.

Key words: Jundi Shahpur, Persian Gulf, medicinal plants, Islamic civilization, India

***Address for correspondence**: The Persian Gulf Marine Biotechnology Research Center, The Persian Gulf Biomedical Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr. Iran. Email: inabipour@gmail.com